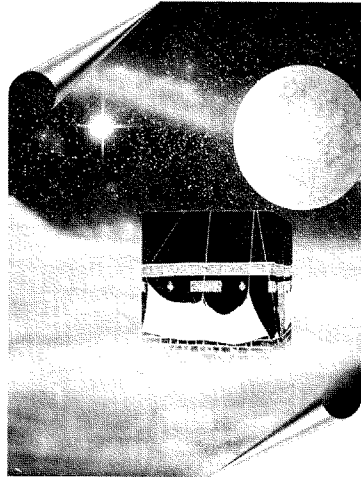


نقد و معرّفی کتاب



تجلی سیر و سلوک عرفانی در حج



ابو القاسم آرزومندی

هر چند «کمال بندگی» در پذیرش بی چون و چرای سخن معبود و گردن نهادن به خواست اوست، با این همه، کشف حکمت و مقصود باطنی عبادات، برینش بنده می افزاید و او را در پیمودن راه بندگی راسخ تر می سازد و بسیاری از شبهه ها و تردیدها را از دل و جانش می زداید. از این رو، گاه در روایات به رمز و راز عبادات پرداخته و از اسرار آن پرده برداشته شده است و حکیمان و عارفان اسلامی نیز با دستمایه قرار دادن این قبیل روایات، به طور مبسوط به این عرصه گام نهاده اند.

آقای ابوالقاسم قزوینی، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود «تجلی سیر و سلوک عرفانی در حج»، با برگزیدن چنین رویکردی و با بهره جستن از حدیثی طولانی از امام سجاده علیه السلام و سخنان اهل سلوک و عرفان، به حج - که دارای اعمال گوناگون و راز آلودی است - می پردازد.

نویسنده، اثر خود را با مقدمه ای کوتاه آغاز می کند و در هفت فصل (هفت منزل) به شرح و تفسیر و تحلیل اعمال حج می پردازد و با شعری از جامی به کلام خود خاتمه می دهد:

فصل اول (منزل اول): احرام، تجلی توبه

عناوین: وعدگاه ملاقات، احرام جاودانه، توبه از دیدگاه عرفا، مقدمات، مقارنات و

ارکان توبه، درجات توبه، احرام تجلی توبه، ندای لیک، تلبیه.

در این فصل، که بیشتر بر محور توبه و شرایط و مراتب آن است، احرام بستن به امتناع ورزیدن از هر آنچه که مانع ذکر و طاعت خداوند باشد، معنی شده است؛ چنان که امام سجاده علیه السلام از شبلی می پرسد:

آیا هنگام بستن احرام، قصد کردی هر چه که خدا حرام کرده، بر خویش حرام گنی؟ گفت: نه. فرمود: پس تو در حقیقت مُحَرَّم نشده‌ای.



در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده:

جامهٔ صدق و صفا بپوش و از آنچه مانع ذکر خداوند بزرگ است و تو را از اطاعت او محجوب می‌گرداند، احرام بند!

فصل دوم (منزل دوم): طواف، منزلگاه قُرب

عناوین: حرمت حرم، کعبه جلوهٔ عرش خدا در زمین، کعبه خانهٔ آزاد، خانهٔ پاک برای پاکان، حال قرب در عرفان، طواف منزلگاه قرب، حجر الأسود، دست در دست خدا، نماز طواف.

حدیث امام سجاده علیه السلام در این فصل ادامه می‌یابد. بنا بر سخن امام علیه السلام، ورود حاجی به حرم باید همزمان با این قصد باشد که از بدگویی و غیبت هر مسلمانی پرهیزد. طواف کعبه، اولاً باید به منظور آزاد شدن انسان از شهوت و غضب باشد تا انسان نیز پاک و فرشته‌وش گردد. از نگاه امام سجاده علیه السلام، کشیدن دست بر حجرالأسود، پیمان با خداوند است در حفظ حریم‌های الهی.

فصل سوم (منزل سوم): سعی صفا و مروه، تجلی خوف و رجاء

عناوین: پوشی هدفمند، جرعهٔ معرفت، خشیت و رحمت، خوف و رجاء از دیدگاه عرفا، سعی صفا و مروه، تاریخچه و علت سعی، سعی صفا و مروه تجلی خوف و رجاء. سلوک حاجی، در سعی میان صفا و مروه ادامه می‌یابد. این تلاش و این آمد و شد، که چندین بار تکرار می‌شود، حرکت در میان دو اندیشهٔ بیم و امید است که بسان دو بال

سالک برای پرواز در آسمان قرب الهی هستند. او از بارگناه و پایان کار هراسناک است، اما در آن سو، لطف و رحمت بی‌کران حق را می‌بیند و به امید سیراب شدن از زمزم عطوفت الهی، از تلاش و حرکت باز نمی‌ایستد. با این رفت و برگشت، او به صفا می‌رسد و به مردانگی بار می‌یابد؛ صفای دل و مردانگی در راه خدمت.

فصل چهارم (منزل چهارم): عرفات، تجلیگاه یقین

عناوین: عرفات و معرفت، یقین در عرفان، علت ناامیده شدن عرفات، پیشینه تاریخی، عرفات سرزمین یقین و معرفت، عرفات محلّ اعتراف به گناه و توبه، عرفات یادآور عرصات قیامت، جبل‌الرحمه، فرازهایی از دعای شریف عرفه.

عرفات، وادی شناخت و آگاهی است. در این وادی باید حاجی به این آگاهی برسد که همه دانش‌ها و معارف از آن خداوند و لوح سرنوشت انسان به دست پروردگار است و همو بر نهان‌ها و قلب‌ها آگاه و داناست.

درباره علت تسمیه عرفان به این نام، صاحب اثر سه قول را مهم‌تر دانسته است:

۱- عرفات سرزمین شناخت، معرفت و یقین است.

۲- عرفات محلّ اعتراف به گناه، توبه و برخورداری از رحمت و مغفرت خداوندی است.

۳- عرفات یادآور عرصات روز قیامت است.

سپس برای هر یک از این اقوال، توضیحات و روایاتی را ذکر می‌کند.

گذشته از این، عرفات یادآور دعای عرفه امام حسین علیه السلام، امام عشق و عرفان و شهادت نیز هست. از این رو، نگارنده فرازهایی از این دعای بلند معناراه، همراه با توضیح و تحلیل می‌آورد.

فصل پنجم (منزل پنجم): مشعر الحرام محلّ مشاهده

عناوین: مشعر شعور، مشاهده در احوال عرفات، مشعر الحرام سرزمین مشاهده، وجه تسمیه منا، امان مردم، قربانگاه شمع.

حاجی سالک، در ادامه سلوک معنوی خویش، به مشعر الحرام وارد می‌شود. او در



این مرحله باید با شعار و شعور پارسایان همساز شود و خشیت الهی را به قلبش رهنمون سازد. مشعر الحرام، حرم الهی است که ورود به آن، تنها پس از گذر از مراحل پیشین میسر می‌گردد. اینجا محل ذکر خدا و مشاهده جمال الهی است؛ نقطه پایان هجر و آغاز وصال و لقا است.

اما «منا» سرزمین تمنا و آرزو است، چنان‌که از امام رضا علیه السلام نقل شده:

در این جایگاه، جبرئیل به ابراهیم علیه السلام فرمود:
یا ابراهیم! آنچه خواهی از پروردگارت تمنا کن.

البته ناگفته آشکار است که بت شکنی چون ابراهیم خلیل علیه السلام، آرزویی جز بریدن از تعلقات، و رضا و تسلیم در برابر خداوند ندارد؛ پس پیروان او نیز این تمنا را در دل خویش می‌پروراندند و از حق می‌خواهند؛ باید خلیل آسا تسلیم حق باشند. امام سجاد علیه السلام در گفت و گو با شبلی، منا را محلی برای این مقصود دانسته‌اند که شخص عهد کند که مردمان را از زبان و قلب و دست خویش در امان بدارد؛ که در این صورت، رضایت دوست نیز حاصل می‌گردد. پس از آنکه، با رمی جمرات، شیطان را از قلب خویش دور ساخت، باید طمع را نیز قربانی کند و موانع قرب و رضای الهی را از میان بردارد.

فصل ششم (منزل ششم): رمی جمرات، تجلی توکل

عناوین: مقام توکل در عرفان، رمی جمرات تجلی توکل، پیشینه تاریخی، رمی جمرات نبرد با شیطان درون و بیرون.

نگارنده اثر، درباره پیشینه تاریخی رمی جمرات، سه احتمال را، با توجه به روایات، بیان داشته است:

۱- این عمل را حضرت آدم علیه السلام، جهت راندن شیطان انجام داده است.

۲- ابراهیم علیه السلام جهت دور ساختن شیطان انجام داده است.

۳- و یا این عمل یادآور سنگ‌هایی است که ابراهیم خلیل علیه السلام به قوچ قربانی زد.

با توجه به دو احتمال نخست، برخی گفته‌اند رمی جمرات سه گانه، حاکی از آن است که انسان باید در مسیر قرب الهی سه طاغوت را طرد کند؛ طاغوت درونی (نفس



اماره)، طاغوت بیرونی که شامل دو گروه است: شیاطین جنّی؛ شیاطین انسی (دشمنان دین و انسانیت).

فصل هفتم (منزل هفتم): قربانی و تقصیر، تجلی رضا و فنا

عناوین: رضا عالی‌ترین مقام، فنا غایت عرفان، قربانی و تقصیر تجلی رضا و فنا، قربانی تجلی رضا و فنا (پیشینه تاریخی)، قربانی در شریعت اسلام، اسرار قربانی، تقصیر تجلی رضا و فنا.



عارف و سالک الهی، پس از طی منازل پیشین، به مقام رضا و فنا نایل می‌شود. رضا، با توحید و توکل حاصل می‌شود؛ رضایت به قضای الهی و فنا، نتیجه فضل و رحمت الهی و علت آن رؤیت جمال حق به چشمه دل و الهام و افاضه خداوند به قلب است. پیشینه قربانی از زمانی است که انسان در اندیشه تقرب به معبود، قربانی می‌کرده و آن را وسیله‌ای جهت رسیدن به خواست‌ها و برطرف ساختن حوادث سهمگین، آسیب‌ها و زیان‌های فردی قرار می‌داده است. از گزارش‌های تاریخی بر می‌آید که بیشتر قربانی‌ها، انسان‌ها بوده‌اند؛ مانند اطفال دختر و پسر؛ به‌ویژه نخستین فرزند، دختران باکره، اسرای جنگ، بردگان و گنهکاران.

با پیشرفت و گسترش اندیشه دینی، رفته رفته این شیوه ضد انسانی نزد بسیاری از امت‌ها متروک و مطرود می‌گردد و حیوان‌هایی چون: گاو، گوسفند و... جایگزین انسان می‌شود. ظهور شریعت اسلام، مهر بطلان بر پیرایه‌های خرافه‌انگیز قربانی زد؛ رنگ و جلوه‌ای الهی به آن بخشید و رمز فنا گردید. به علاوه دستور رسید که: «گوشت آن را بخورید و تهی‌دستان را نیز از آن اطعام کنید»^۱

این عمل که به تأسی از ابراهیم خلیل الرحمان است، سمبل و نماد قربانی کردن خود و وصول به مقام فنای فی الله است.

○ پانویس‌ها: